

گونه شناسی روایت های تفسیری امام رضا (ع)

محمد علی میدری مزرعه آفوند*

چکیده

بهترین مفسران بعد از پیامبر (ص) امامان معصوم (ع) هستند که با علم لدنی خویش به قرآن و زوایای پنهان و معارف آن آگاهی دارند و هر یک از آنها با توجه به موقعیت زندگی خویش به شیوه های گفتاری و عملی، قرآن کریم را تفسیر نمودند. با توجه به اهمیت روش شناسی تفسیر و کثرت روایات تفسیری امامان معصوم (ع)، بایسته است روایت ها مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد و به روش های گوناگون دسته بندی شود. در این پژوهش گونه های تفسیری امام رضا (ع) مورد واکاوی قرار گرفته و به روش های زیر قابل تقسیم است: تفسیر واژگانی، تفسیر ادبی، تاویل آیات متشابه، استدلال به قرآن در مسائل فقهی، روش تفسیر قرآن به قرآن، قرآن به سنت، ذکر سبب نزول، تبیین آیات با استفاده از تمثیل، تبیین آیات با استفاده از شرح جریانات تاریخی، تبیین آیات از راه بیان مصداق با استفاده از علم تاویل قرآن.

کلید واژه ها: امام رضا (ع)، روایت های تفسیری، روش تفسیری، گونه شناسی.

طرح مسأله

قرآن کریم، از سوی خداوند برای هدایت انسان ها نازل شده است. و یکی از نیازهای ضروری مردم برای رشد معنوی و بهره وری از هدایت قرآن، فهم مراد و مقصود آیات الهی است. خداوند پیامبر (ص) را به عنوان مبین کتاب خویش معرفی نموده و فرموده: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» (النحل، ۱۶/۴۴)؛ و پیامبر در طول زندگی خویش به شیوه های گفتاری، رفتاری و تقریری آیات قرآن کریم را برای انسان ها تشریح نمود. پس از پیامبر (ص)، این وظیفه بر عهده اهل بیت پیامبر (ص) گذاشته شد که آنها نیز هر یک با توجه به شرایط فرهنگی و سیاسی دوران خویش زوایای پنهان تفسیری قرآن را برای هم عصرانشان شرح دادند.

در روایات متعددی، مراد از «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» در آیه «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» (العنکبوت، ۲۹/۴۹) را ائمه اطهار (ع) معرفی کرده اند^۱. خداوند در آیه «... وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» (آل عمران، ۷/۳). علم به تأویل قرآن کریم را مختص خویش و راسخان در علم دانسته است. به استناد بسیاری از روایات «راسخان در علم» رسول خدا (ص) و امامان معصوم (ع) هستند. در این مقاله به بررسی و گونه شناسی روایت های تفسیری ارائه شده از امام رضا (ع) در کتاب های حدیثی و تفسیری شیعه متقدم پرداخته می شود تا از این راه نقش این امام همام در تفسیر قرآن بیش از پیش روشن گردد.

زندگی و القاب امام رضا (ع)

أبو الحسن علی بن موسی ملقب به رضا، دهمین معصوم از چهارده معصوم و هشتمین امام و پیشوای شیعیان هستند، ایشان در روز یازدهم ذی القعدة سال ۱۴۸ ه. ق در شهر مدینه به دنیا آمدند. پدر ایشان امام موسی بن جعفر (ع) و مادر ایشان نجمه بودند، از القاب ایشان رضا، صابر، رضی، فاضل و صدیق، غریب الغربا، شمس الشموس و معین الضعفا است که مشهورترین آن رضا است زیرا دوستان و حتی دشمنان ایشان از او راضی و خشنود بودند. کنیه ایشان أبو الحسن ثانی است، دوران کودکی و جوانی این امام بزرگوار در مدینه گذشت. اخلاق نیکو، دانش فراوان، ایمان، عبادت بسیار و پاسخ گویی به سوئالات علمی و مذهبی بسیار سخت از جمله خصوصیات بارز ایشان بود. آن حضرت

در سن ۳۵ سالگی به امامت رسیدند مدت امامت این امام بزرگوار بیست سال بود که سه سال به عنوان ولیعهد مامون عباسی بودند.^۲

دوران حیات امام رضا (ع) اوج گرایش مردم به دینداری و أهل بیت (ع) بود. در این دوران شخصی به نام مامون که از همه حاکمان حکومت عباسی زیرک تر و دانا تر به فقه و کلام بود روزی ادعای تشیع کرد؛ اما کم کم نقاب از چهره برداشت و پس از رسیدن به قدرت برای پایداری حکومتش تصمیم گرفت با امام رضا (ع) و یارانش به گونه ای دیگر برخورد نماید. پس برای امام نامه نوشت و حضرت را به ولی عهدی خود منصوب کرد. امام ابتدا نپذیرفت اما پیگیری و پافشاری مامون باعث شد که امام ناگزیر به خراسان برود اما قبل از هجرت چندین بار نزد قبر حضرت رسول (ص) حاضر شدند و به گونه ای زیارت کردند که همه فهمیدند این سفر مورد رضایت ایشان نیست و به همه اقوام خود فرمودند بر من گریه کنید چون که دیگر به مدینه باز نخواهم گشت. امام رضا (ع) در این سفر کوشید تا مردم را با اسلام، قرآن، شیعه و اخلاق و آرمان های اسلامی آشنا کند شرکت در جلسات بحث و گفتگو با دانشمندانی که از گوشه و کنار دنیا می آمدند از جمله فعالیت های امام در آن زمان بود که این کار کم کم خشم مامون را برانگیخت تا این که سرانجام در آخر صفر سال ۲۰۳ هـ این امام بزرگوار را در سن ۵۵ سالگی در شهری بنام طوس واقع در خراسان ایران که امروزه به نام مشهد الرضا (ع) شهرت دارد مسموم کردند و به شهادت رساندند.^۳

مبانی تفسیری امام رضا (ع)

مبانی تفسیر از جمله پایه های فکری و اعتقادی هر مفسری است که تفسیر خویش را بر آن بنا می نهد در لابلای روایت های تفسیری امام رضا (ع) می توان به مبانی ای نظیر عدم تحریف قرآن کریم، حقانیت قرآن و هدایت گر بودن آن اشاره کرد:

۱. عدم تحریف: یکی از اصلی ترین مبانی تفسیری امام رضا (ع) عدم تحریف قرآن کریم است امام در روایتی فرمود: «القرآن هو حبل الله المتین و عروته الوثقی و طریقه المثلی المؤدی إلى الجنة و المنجی من النار لا یخلق من الأزمنة و لا یغث علی الألسنة لأنه لم یجعل لزمان دون زمان بل جعل دلیل البرهان و حجة علی کل إنسان «لا یأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید»؛ قرآن بهترین وسیله برای رسیدن به خداوند

و بهشت و رهایی از جهنم است؛ برای زمان و گروه خاصی نیست پیوسته در گذر زمان مفید و شفا بخش است باطلی در آن راه ندارد و از جانب خداوندی حکیم آمده است.^۴ عبارت قرآنی «وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ * لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» (فصلت، ۴۱/۴۱-۴۲) بزرگترین دلیل بر نفی تحریف قرآن کریم است.^۵

۲. زنده بودن قرآن در تمام عصر و مصرها: یکی دیگر از مبانی تفسیر قرآن به کارگیری قرآن در تمام زمان ها و مکان ها و مفید دانستن آن در حل بحران های اخلاقی و اجتماعی است؛ امام رضا (ع) در جواب سوال کننده ای در این باره فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَجْعَلْ لَزَمَانٍ دُونَ زَمَانٍ وَلَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهَوِيَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٍ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ خداوند تبارک و تعالی قرآن را برای زمانی خاص و مردمی خاص نازل نفرمود؛ آن قرآن برای تمام زمان ها و تمام مکان ها تا روز قیامت مفید است و زنده خواهد بود».^۶

۳. هدایتگری قرآن: قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت برای از بین بردن جهل و ظلمات از طرف خداوند بر پیامبرش نازل شده در آیات بسیاری از قرآن بر جنبه روشنگری و هدایتی آن تاکید شده است مانند: «الرَّكِيبُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (ابراهیم، ۱/۱۴)؛ «طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ» (النمل، ۲۷/۱-۲). یکی از مبانی شناخت قرآن کریم هدایتگری و حق بودن قرآن است که این مبنا در سخنان امام رضا (ع) نیز یافت می شود. در روایتی ریان بن صلت از امام در باره قرآن سوال کرد و حضرت در جواب فرمود: «كَلَامَ اللَّهِ لَا تَتَجَاوَزُهُ وَلَا تَطْلُبُوا الْهُدَى فِي غَيْرِهِ فَتَضَلُّوا؛ در مورد سخن خداوند سخن حق بگوئید و هدایت را از آن بخواهید که هدایت خواستن از دیگری به گمراهی می انجامد».^۷

گونه های تفسیری امام رضا (ع)

۱. تبیین آیات با روش تفسیری قرآن به قرآن: روش تفسیری قرآن به قرآن روشی است که سابقه و زمان پیدایش آن به دوران رسول خدا (ص) و آغاز اسلام می رسد در این روش برای تفسیر قرآن از آیاتی دیگر در قرآن کریم برای تفسیر آن بهره گرفته می شود و محققان علوم قرآنی با توجه به آیه: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ» (النحل، ۱۶/۸۹) و خطبه^۸ ۱۳۳ نهج البلاغه^۸، آن را یکی از روش های تفسیر قرآن

برشمرده اند، همچنین از پیامبر روایت شده است که فرمود: «قرآن نازل نشده که پاره ای از آن پاره ای دیگر را تکذیب کند بلکه پاره ای پاره ای دیگر را تصدیق می کند.»^۹
 امام رضا (ع) نیز این شیوه را در تفسیر قرآن کریم به کار گرفته است که در ادامه به نمونه هایی از آن اشاره می شود:

یکم: ابراهیم بن ابی محمود گوید: از امام رضا (ع) در مورد آیه: «خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (البقرة، ۲/۷)؛ «خداوند بر دل های آنان، و بر شنوایی ایشان مهر نهاده و بر دیدگانشان پرده ای است و آنان را عذابی بزرگ است»؛ پرسیدم؟ امام با استفاده از آیه ۱۵۵ سوره نساء فرمود: «ختم به معنای مهر نهادن بر قلب های کافران است به خاطر جزای به کفرشان، همچنان که خداوند می فرماید: «فَبِمَا نَقُضُوا مِيثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِمْ بآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بغيرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا» (النساء، ۴/۱۵۵)؛ «پس به [سزای] پیمان شکنی شان، و انکارشان نسبت به آیات خدا، و کشتار ناحق آنان [از] انبیا، و گفتارشان که: «دل های ما در غلاف است» [لعنتشان کردیم] بلکه خدا به خاطر کفرشان بر دل هایشان مهر زده و در نتیجه جز شماری اندک [از ایشان] ایمان نمی آورند».^{۱۰}

دوم: عبدالعزیز بن مسلم گوید: از امام رضا (ع) در مورد آیه: «الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيهِمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (التوبة، ۹/۶۷)؛ «مردان و زنان دو چهره، [همانند] یکدیگرند. به کار ناپسند و امی دارند و از کار پسندیده باز می دارند، و دست های خود را [از انفاق] فرو می بندند. خدا را فراموش کردند، پس [خدا هم] فراموششان کرد. در حقیقت، این منافقانند که فاسقند»؛ پرسیدم؟ که امام در جواب فرمود: «خدای تبارک و تعالی آن ها را فراموش نمی کند و خود مخلوقات هستند که خود را فراموش می کنند، آیا نشنیده ای که خداوند می فرماید: «وَمَا تَنْتَظِرُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا» (مریم، ۱۹/۶۴)؛ «و [ما فرشتگان] جز به فرمان پروردگارت نازل نمی شویم. آنچه پیش روی ما و آنچه پشت سر ما و آنچه میان این دو است، [همه] به او اختصاص دارد، و پروردگارت هرگز فراموشکار نبوده است». بنابراین به خاطر این که آن ها خدا و روز قیامت را فراموش کرده اند خداوند آن ها را به حال خود وا گذاشت. همچنین خداوند می فرماید: «وَلَا تَكُونُوا

كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (الحشر، ۵۹ / ۱۹)؛ «و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و او [نیز] آنان را دچار خود فراموشی کرد آنان همان نافرمانانند». و در جای دیگر می فرماید: «الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا قَالِيَوْمَ نُنْسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ» (الاعراف، ۷ / ۵۱)؛ «همانان که دین خود را سرگرمی و بازی پنداشتند، و زندگی دنیا مغرورشان کرد. پس همان گونه که آنان دیدار امروز خود را از یاد بردند، و آیات ما را انکار می کردند، ما [هم] امروز آنان را از یاد می بریم». پس همان طوری که آنها یاد روز قیامت را ترک گفتند ما هم از یاد آن ها می گاهیم».^{۱۱}

سوم: و شاء گوید: از امام رضا (ع) در مورد آیه: « وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ » (النحل، ۱۶ / ۴۳)؛ «و پیش از تو [هم] جز مردانی که بدیشان وحی می کردیم گسیل نداشتیم. پس اگر نمی دانید، از پژوهندگان کتاب های آسمانی جو یا شوید»، پرسیدم؛ امام در جواب فرمود: «ما اهل ذکر هستیم و از ما سوال می شود»، گفتیم آیا بر ما واجب است از شما سوال کنیم؟ گفت: «بلی». گفتیم: آیا بر شما واجب است که جواب آن ها را بدهید؟ گفت: «نه، آن بر ما واجب نیست اگر خواستیم جواب می دهیم و اگر نخواستیم جواب نمی دهیم آیا سخن خداوند را نشنیده ای که می فرماید: «هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْتُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (ص، ۳۸ / ۳۹)؛ «[گفتیم: این بخشش ماست، [آن را] بی شمار ببخش یا نگاه دار]».

۲. تبیین آیات با استفاده از روش قرآن به سنت: شکی نیست که روایات یکی از منابع مهم تفسیر قرآن است و حجیت آن از طریق حدیث متواتر ثقلین به اثبات رسیده است پس همان طور که پیامبر اسلام (ص) مبین و مفسر وحی بود، ائمه و اهل البیت (ع) هم مفسر قرآن هستند، از همین روی امام رضا (ع) در تفسیر خویش به سخنان پدران و اجداد خویش نیز استناد می جست تا از این طریق نقش اهل بیت پیامبر (ص) و سنت در تبیین آیات قرآن کریم روشن شود در ادامه به نمونه هایی از آن اشاره می شود:

یکم: حسن بن عبدالله رازی تمیمی گوید: امام رضا (ع) از پدرش و پدرش نیز از پدرش - سلسله سند به رسول خدا (ص) می رسد - روایت کرد: پیامبر (ص) در تفسیر آیه: «لَجَعَلَهَا لَكُمْ تَذَكْرَةً وَتَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ» (الحاقه، ۶۹ / ۱۲)؛ «تا آن را برای شما [مایه] تذکری

گردانیم و گوش های شنوا آن را نگاه دارد» فرمود: «ای علی دعوت خداوند است که گوش های تو را شنوا می سازد». ۱۲

دوم: دعبل خزائی از پدرش روایت می کند: امام رضا (ع) از اجدادش روایت کرد که رسول خدا (ص) در مورد معنای آیه: «لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ» (الحشر، ۵۹/ ۲۰)؛ «دوزخیان با بهشتیان یکسان نیستند بهشتیانند که کامیابانند» فرمود: «اصحاب بهشتی کسانی هستند که من را اطاعت کنند و همچنین بعد از من همراه علی (ع) شوند و ولایت او را بپذیرند و اصحاب نار و آتش کسانی هستند که با علی (ع) پیمان شکنی کنند و ولایتش را نپذیرند و او را به شهادت رسانند». ۱۳

سوم: ابراهیم بن أبو محمود گوید: از امام رضا (ع) پرسیدم آیا خداوند بندگان را به انجام معاصی مجبور می کند؟ امام فرمود: «نه آنها را مخیر می گرداند و کسانی که معصیت انجام دهند مهلت شان دهد تا توبه کنند». گفتم: آیا خداوند بندگان را بر کارهایی که طاقتش را ندارند، مکلف می سازد؟ فرمود: «چگونه آن ها را مکلف می سازد در حالی که می فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ» (فصلت، ۴۱/ ۴۶). سپس فرمود: «پدرم موسی بن جعفر (ع) از پدرش روایت می کرد؛ کسی که گمان می کند خداوند بندگان را بر انجام معاصی و گناهان مجبور می سازد و یا آن ها را بر انجام آنچه را که طاقت انجام آن را ندارند، مکلف می سازد نه شهادتش را بپذیرید و نه پشت سر او نماز بخوانید و نه به او زکات بدهید و نه قربانی او را بخورید». ۱۴

چهارم: طائی از پدرش و او از امام رضا (ع) روایت کرد: حسین بن علی (ع) فرمود: «روزی امیرالمومنین (ع) برای ما خطبه می خواند، در اثنای آن گفت: روزی سخت به مردم می رسد که مؤمن هر آنچه در دستش است به دیگری نمی دهد و روزی خواهد رسید که بدصفتان مقدم و نیکان فراموش می شوند. با بینوا و درمانده خرید و فروش می شود در حالی که رسول خدا (ص) از معامله با درمانده نهی فرموده و سپس این آیه را خواند: «وَلَا تَسْأُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (البقرة، ۲/ ۲۳۷)؛ «و در میان یکدیگر بزرگواری را فراموش مکنید، زیرا خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست». ۱۵

پنجم: ابراهیم بن عباس صولی گوید: روزی نزد امام رضا (ع) بودم که فرمود: «در دنیا نعمتی حقیقی وجود ندارد»، در آن هنگام، کسانی که در اطراف امام بودند گفتند: پس چرا

خداوند فرموده: «ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (النکاح، ۱۰۲/۸)؛ «سپس در همان روز است که از نعمت [روی زمین] پرسیده خواهید شد. آیا این نعمت در دنیاست؟ آیا منظور از آن نعمت آب سرد و خرما نیست؟ در این هنگام امام با صدای بلند به آن‌ها فرمود: «آیات را بدین صورت تفسیر نکنید، پدرم از پدرش امام صادق (ع) روایت کرد که جدّم رسول خدا (ص) فرمود: خداوند متعال، از هر آنچه به بندگانش بخشیده سؤال نمی‌کند و بر آنان منت نمی‌گزارد، منت گزاردن بر نعمت‌ها کاری زشت و ناپسند است و معنای نعمت در این آیه بعد از توحید و نبوت، دوستی با ما اهل بیت (ع) و محبت به ما است»^{۱۶}. همچنین امام رضا (ع) در مورد سوره حمد و آیه‌های: (سبأ، ۱۴/۳۴؛ النمل، ۱۹/۲۷) با روایاتی از امام صادق (ع)، امام باقر (ع) و امیر مؤمنان علی (ع) به تفسیر و تبیین آن‌ها می‌پردازد.^{۱۷}

۳. تبیین آیات با استفاده از مباحث کلامی: تفسیر کلامی شکلی از تفسیر قرآن است که رنگ غالب آن دفاع از عقیده کلامی مفسر است و مفسر در این نوع تفسیر با هر مناسبتی برای اثبات عقیده خود از مباحث کلامی استفاده می‌کند. این شیوه یکی از شاخه‌های تفسیر عقلی و اجتهادی است. از آنجا که همواره مباحثات کلامی بر دو جنبه عقل و نص استوار بوده، برداشت‌های مختلف از قرآن در این دانش شیوه تفسیر کلامی را نیز به شیوه متداول تفسیر قرآن که متکی بر منقولاتی از پیامبر اکرم (ص) و آرای صحابیان بود، اضافه نمود. امام رضا (ع) نیز در لابلای تفسیر آیات قرآن کریم به شیوه‌های مختلف از این روش در تفسیر قرآن کریم بهره گرفت که در ادامه به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

یکم: عدم رؤیت خدا با چشم ظاهر؛ أشعث بن حاتم گوید: از امام رضا (ع) سؤال کردم که در مورد رؤیت خداوند و توحید او برای من بگو. گروهی می‌گویند: خدا دیده می‌شود و گروهی می‌گویند: دیده نمی‌شود، نظر شما چیست؟ امام فرمود: «هر کس خدا را بر خلاف گفته‌های قرآن وصف کند، بزرگترین ظلم را در حق خداوند انجام داده است خداوند متعال می‌فرماید: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ» (الأنعام، ۱۰۳/۶)؛ «چشم‌ها او را در نمی‌یابند و اوست که دیدگان را درمی‌یابد، و او لطیف آگاه است».^{۱۸}

«الْأَبْصَارُ» در اینجا به معنای چشم ظاهری نیست، بلکه منظور از آن چشم‌هایی است که در قلب قرار دارد. و فکرها و وهم‌ها قادر به درک خداوند نیستند ولی خداوند بر همه

فکرها و وهم‌ها تسلط دارد. ۱۹

دوم: نفی جسمانیت خداوند؛ هشام بن شرقی گوید: روزی امام رضا (ع) خدا را وصف می‌کرد فرمود: «خداوند أحد است، صمد است، نور است» و سپس فرمود: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ» (المائدة، ۶۴/۵)؛ «و یهود گفتند: دست خدا بسته است، دست‌های خودشان بسته باد. و به [سزای] آنچه گفتند، از رحمت خدا دور شوند. بلکه هر دو دست او گشاده است، هر گونه بخواهد می‌بخشد». من گفتم: آیا خداوند هم مثل ما دست دارد؟ امام اشاره به دست من و خودش کرد و فرمود: «اگر خداوند مثل ما دست داشت، دیگر خالق نبود و در آن موقع یک مخلوق بود». ۲۰

ابن فضال از پدرش روایت می‌کند در معنای آیه: «وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا» (الفجر، ۲۲/۸۹)؛ «و [فرمان] پروردگارت و فرشته [ها] صف در صف آیند»، از امام رضا (ع) پرسیدم؟ امام فرمود: «خداوند متعال به فعل رفتن و آمدن وصف نمی‌شود و منظور از آمدن در این آیه و دیگر آیات رفتن و آمدن امر پروردگار می‌باشد و منظور از آیه این است «وَجَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ»؛ یعنی: فعل به امر اسناد داده می‌شود نه خداوند». ۲۱

همو گوید از امام رضا (ع) در معنای آیه: «كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ» (المطففين، ۱۵/۸۳)؛ «زهی پندار، که آنان در آن روز، از پروردگارشان سخت محجوبند»؛ پرسیدم؟ امام (ع) فرمود: «خداوند به مکان وصف نمی‌شود و در آن هم قرار نمی‌گیرد تا بندگانش او را نبینند بلکه معنای آیه این است: كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ؛ یعنی: آنها از ثواب و پاداش پروردگارشان بی‌بهره هستند و سودی نمی‌برند». ۲۲

سوم: حمدان بن سلیمان نیشابوری گوید: از امام رضا (ع) در مورد معنای آیه: «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» (الأنعام، ۱۲۵/۶)؛ «کسی را که خدا بخواهد هدایت نماید، دلش را به پذیرش اسلام می‌گشاید و هر که را بخواهد گمراه کند، دلش را سخت تنگ می‌گرداند چنان که گویی به زحمت در آسمان بالا می‌رود. این گونه، خدا پلیدی را بر کسانی که ایمان نمی‌آورند قرار می‌دهد» پرسیدم؟ امام (ع) فرمود: «خداوند هرکسی را خواستار هدایتش باشد به خاطر ایمانش، او را به بهشت

رهنمون می سازد و سینه اش را برای تسلیم خداوند و همچنین اطمینان به او می گشاید و آرامشی خاص در قلب او ایجاد می کند و هر کسی را که خواستار هدایتش و رهنمونش به بهشت و دار کرامت نباشد، به خاطر کفرش در این دنیا سینه اش را تنگ می کند و به همین دلیل است که او در مورد اعتقاداتش دچار اضطراب می شود. و خداوند پلیدی ها را در قلب کسانی که ایمان نمی آورند قرار می دهد.^{۲۳}

۴. تبیین آیات با استفاده از شرح لغات و قواعد عربی: از جمله رویکردهای تفسیری که از دهه های اولیه هجری در بین مفسران رواج داشته و به مرور زمان تکامل یافته است، گرایش ادبی و بیانی می باشد. در این رویکرد مفسران می کوشند با استفاده از علومی مانند صرف و نحو و معانی و بیان، معانی دقیق واژگان را روشن سازند و از این راه به کنه معنای یک آیه دست یابند. نخستین مفسرانی که به جنبه ادبی و بیانی قرآن - به معنای اعم - اهتمام ورزیده اند را می توان شخصیت گرانقدر رسول خدا (ص) و پس از ایشان حضرت علی (ع) دانست؛ همچنان که پیامبر اسلام (ص) در تفسیر آیه شریفه: «حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ» (البقرة، ۱۸۷/۲) فرمودند: «مراد این آیه از سفیدی و سیاهی فجر، سفیدی روز و سیاهی شب است و لذا از کلمه فجر در این آیه یک معنای مجازی اراده شده است و «نهار» و «لیل» در اینجا حذف شده است». پس از پیامبر (ص) و علی (ع)، ابن عباس در تفسیر به شیوه ادبی روی آورده و بسیاری از آیات را با این شیوه تفسیر نموده است و از لغت و استعاره عرب در فهم معانی الفاظ و جمله های قرآن بسیار استفاده می کرده است.^{۲۴}

از ابن عباس نقل شده که من معنای «فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» را نمی دانستم تا این که دو شخص اعرابی که درباره چاهی با یکدیگر دعوا داشتند نزد من آمده و یکی از آنها گفت: «أنا فطرتها أي انشق؛ پس از این کلام وی پی بردم که «فطر» در عربی اصیل به معنای شکافتن است^{۲۵}. امام رضا (ع) نیز از این شیوه در بیان تفسیر آیات قرآن کریم استفاده نموده که به نمونه هایی از آن اشاره می شود:

یکم: بیان معنای مفردات آیه های قرآن: محمد بن ابی نصر از امام رضا (ع) روایت می کند: آن امام در تفسیر آیه: «وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْلُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ» (یوسف، ۲۰/۱۲)؛ فرمود: «منظور از بخرس کمی و نقصان می باشد و مقدار آن حدود ۲۰

درهم است». ۲۶.

أبو القاسم فارسی گوید: درباره دو کلمه «فَامْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ» در آیه: «الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَامْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ» (البقرة، ۲/۲۲۹)؛ «طلاق [رجعی] دو بار است. پس از آن یا [باید زن را] بخوبی نگاه داشتن، یا بشایستگی آزاد کردن»؛ از امام رضا (ع) سؤال کردم: امام فرمود: «إِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ» یعنی: دست برداشتن از آزار و اذیت و پرداخت نفقه می باشد. و «تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ» یعنی: طلاق دادن آن هم به صورتی که خداوند در کتابش بیان نموده است». ۲۷.

أحمد بن محمد گوید: از امام رضا (ع) در مورد معنای آیه: «وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» (النساء، ۴/۱۲۸)؛ «و اگر زنی از شوهر خویش بیم ناسازگاری یا رویگردانی داشته باشد، بر آن دو گناهی نیست که از راه صلح با یکدیگر، به آشتی گریند که سازش بهتر است»؛ پرسیدم؟ فرمود: «منظور از نشوز این است که مردی قصد طلاق همسرش را داشته باشد». ۲۸.

حسن بن فضال از پدرش روایت می کند که از امام رضا (ع) تفسیر آیه: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» (الحجر، ۱۵/۸۵)؛ «و ما آسمان ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است جز به حق نیافریده ایم، و یقیناً قیامت فرا خواهد رسید. پس به خوبی صرف نظر کن»؛ را پرسیدم؟ امام (ع) فرمود: «صفح آن بخششی است که در ادامه آن سرزنش نباشد». ۲۹.

حسین بن خالد گوید: از امام رضا (ع) در مورد معنای آیات سوره نبا پرسیدم؟ که امام (ع) فرمود: «منظور از «أَحْقَاب» در آیه: «لَا بَشِيرَ فِيهَا أَحْقَابًا» (النبا، ۷۸/۲۳)؛ سال ها می باشد و مفرد آن «حقب» به معنای سال است. و منظور از «المعصرات» در آیه: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا» (النبا، ۷۸/۱۴)؛ ابرهاست. و منظور از «مرصاد» و «مآب» در آیه های: «إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا لِلطَّاغِينَ مآبًا» (النبا، ۷۸/۲۱ و ۲۲)؛ منزلگاه و محل بازگشت است». ۳۰.

دوم: وجه تسمیه مفردات: عباس بن هلال از امام رضا (ع) روایت می کند که امام (ع) در معنای «ابلیس» فرمود: «نام اصلی ابلیس حارث بود که خداوند به جهت گناهش وی را ابلیس نام گزارد و به جهت این که وی از رحمت خداوند نا امید شد ابلیس نامیده شد». ۳۱.

امام رضا (ع) در معنای «اولوالعزم» فرمود: پیامبران اولوالعزم را به خاطر این که صاحبان شریعت و کتاب بوده اند، اولوالعزم نامیده اند اولین آنها نوح [ع] است و هر پیامبری بعد از نوح [ع] بود پیرو کتاب و شریعت وی بود پس از آن ابراهیم [ع]، و بعد موسی [ع] و سپس عیسی [ع] و سر انجام پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) بود. ۳۲

سوّم: مرجع ضمیر و قواعد عربی در شرح آیات: معمر بن خلاد گوید: در مورد معنای آیه: «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حِبِّهِ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» (الانسان، ۸/۷۶)؛ «و به [پاس] دوستی [خدا]، بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می دادند»؛ از امام رضا (ع) پرسیدم که حب در این آیه به خداوند است یا به غذا؟ امام (ع) فرمود: «منظور حب به غذا است»؛ یعنی: در آیه برگشت ضمیر «ه» در حبه به غذا می باشد نه به خداوند. ۳۳

حسن بن علی و شاء گوید: از امام رضا (ع) شنیدم که می فرمود: «امام محمد باقر (ع) فرمود: خداوند متعال در مورد پسرش به نوح [ع] فرمود: «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعْطُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ» (هود، ۴۶/۱۱)؛ «ای نوح، او در حقیقت از کسان تو نیست، او [دارای] کرداری ناشایسته است. پس چیزی را که بدان علم نداری از من نخواه. من به تو اندرز می دهم که مبادا از نادانان باشی». علت آن این است که با تو مخالفت پرداخته و پیروانی را برای خود در مقابل تو قرار داده است». سپس در ادامه فرمود: «این آیه را به چه صورت می خوانید؟» گفتم: مردم آن را به دو وجه می خوانند: ۱. إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ. ۲. إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ. امام فرمود: «به اولی صحیح است زیرا که او فرزند و حاصل نوح بود و چون با پدر در دین خدا به مخالفت پرداخت مطرود و مذموم شد». ۳۴

۵. استخراج قواعد فقهی از متن آیه های قرآن کریم: یکی از روش های تفسیر قرآن کریم روش فقهی است، بدین معنا که مفسران از لابه لای آیات قرآن کریم، مسائل فقهی را استخراج می کنند و در قرآن کریم نزدیک به ۵۰۰ آیه در زمینه مسائل فقهی است. ۳۵

یکم: صفوان بن یحیی می گوید: از امام رضا (ع) در مورد آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ» (المائدة، ۶/۵)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، چون به [عزم] نماز برخیزید، صورت و دست هایتان را تا آرنج بشوید و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین [هر

دو پا] مسح کنید» پرسیدم و گفتم کیفیت شستن چگونه است؟ امام فرمود: «آب را با دست راست بر روی دست چپ می ریزی، سپس از آرنج تا کف و سر انگشتان می کشی». گفتم این کار را یک مرتبه انجام دهم؟ فرمود: «نه. دو مرتبه این کار را انجام بده». ۳۶.

دوم: حسن بن علی و شاء گوید: از امام رضا (ع) در مورد معنای آیه: «كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (الانعام، ۱۴۱/۶)؛ «از میوه آن - چون ثمر داد - بخورید، و حق [بینوایان از] آن را روز بهره برداری از آن بدهید، و [لی] زیاده روی نکنید که او اسرافکاران را دوست ندارد» پرسیدم؟ امام (ع) فرمود: «در موقع برداشت اگر مسکینی یافتید، یک یا دو مشت از محصول خود را به او دهید و اگر در موقع برداشت، مسکینی را نیافتید، بر شما لازم نیست که چیزی بپردازید». و در روایتی دیگر در اندازه آن آمده است: «اگر محصول از جنس گندم، جدا نشده بود، یک دسته کافی است ولی اگر گندم از گاه جدا شده، یک مشت به وی بدهید». ۳۷.

سوم: محمد بن ابی نصیر گوید: از امام رضا (ع) در مورد آیه: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ» (ق، ۴۰/۵۰)؛ «و پاره ای از شب و به دنبال سجود [به صورت تعقیب و نافله] او را تسبیح گوی» سؤال کردم؟ امام (ع) فرمود: «منظور از «أَدْبَارَ السُّجُودِ»، ۴ رکعت نماز بعد از نماز مغرب می باشد و در مورد آیه: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ» (الطور، ۴۹/۵۲)؛ «و [نیز] پاره ای از شب، و در فروشدن ستارگان تسبیح گوی او باش»؛ فرمود: «منظور از «إِدْبَارَ النُّجُومِ»، دو رکعت قبل از نماز صبح». ۳۸.

چهارم: عمر بن سلیمان گوید: روزی مردی تفسیر آیه: «وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (البقرة، ۲۸۰/۲)؛ «و اگر [بدهکارتان] تنگدست باشد، پس تا [هنگام] گشایش، مهلتی [به او دهید] و [اگر به راستی قدرت پرداخت ندارد،] بخشیدن آن برای شما بهتر است - اگر بدانید»؛ را از امام رضا (ع) پرسید و گفت: منظور از «فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ» چیست؟ آیا این صبر و انتظار مدتی دارد؟ و اگر آن شخص که مال را به امانت گرفته هیچ منبع درآمدی نداشته باشد که حساب طلبکارش را بدهد چه کار باید کند و تا چه زمانی باید صبر نماید؟ امام فرمود: «تا زمانی باید صبر کند که این خبر به امام و پیشوای او برسد و اگر او این مال را در راه خیر و نیکی صرف کرده امام از سهم

زیان دیدگان حساب او را می پردازد و اگر در راه معصیت بوده، امام چنین حقی ندارد و نباید حساب او را پردازد»^{۳۹}.

۶. تبیین آیات از راه بیان مصداق با استفاده از علم تاویل: تأویل از ماده اول به معنای برگرداندن به اصل است؛ به عبارت دیگر مراد از تاویل ارجاع دادن کلمات و مفاهیم آنها به مقاصدی که از جانب گوینده اراده شده می باشد^{۴۰}. قرآن کریم علم به تاویل را مختص به خداوند و راسخان در علم دانسته^{۴۱} و در بسیاری از روایات راسخان در علم، امامان معصوم (ع) معرفی شده اند^{۴۲}. امام رضا (ع) نیز با توجه به راسخ بودن در علم، تاویل مصداقی برخی از آیه های قرآن کریم را بیان نموده اند که به برخی از آنها اشاره می شود: یکم: «بِإِنْ شَهِرِ أَشْرَبِ مِنْهُ» (الغاشیة، ۱۹/۸۸)؛ فرمود: «منظور از جبال، اولیاء و وصیّان خدا بر روی زمین هستند»^{۴۳}.

دوم: حسین بن خالد گوید: از امام رضا (ع) معنای آیه: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (الاحزاب، ۷۲/۳۳)؛ «ما امانت [الهی و بار تکلیف] را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کردیم، پس، از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناک شدند، و [لی] انسان آن را برداشت راستی او ستمگری ندادن بود»؛ پرسیدم؟ امام فرمود: «منظور از امانت در این آیه ولایت است و هر کس ولایت را نپذیرد، به تحقیق که به کفر و ناسپاسی رسیده است».

سوم: محمد بن فضیل گوید: امام رضا (ع) در مورد تفسیر سوره تین فرمود: «منظور از: «وَالْتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ» (التین، ۱/۹۵)؛ امام حسن و امام حسین (ع) هستند و منظور از: «وَطُورِ سِينِينَ» (التین، ۲/۹۵)؛ امام علی (ع) و منظور از: «وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ» (التین، ۳/۹۵)؛ رسول خدا است، زیرا مردم به وسیله و اطاعت از آنها، از آتش جهنم در امان می مانند. و منظور از: «انسان» در آیه: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (التین، ۴/۹۵)؛ دوست داران و یاران پیامبر (ص) هستند که نبوت و ولایت وصیانش را تصدیق کرده اند. و منظور از: «ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ» (التین، ۵/۹۵)؛ دشمنان حضرت محمد (ص) هستند، زیرا آن ها اعمال و رفتاری انجام دادند که خداوند آن ها را به پایین ترین درجه رسانید. و منظور: «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ» (التین، ۶/۹۵)؛ امام علی (ع) و شیعیان او هستند. و

منظور از: «دین» در آیه: «فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ» (التین، ۷/۹۵)؛ نیز امام علی (ع) است. ۴۴.
 چهارم: فضالة بن ایوب گوید: از امام رضا (ع) در مورد معنای آیه: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ
 مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» (الملک، ۶۷/۳۰)؛ «بگو: به من خبر دهید، اگر آب
 [آشامیدنی] شما [به زمین] فرو رود، چه کسی آب روان برایتان خواهد آورد؟» پرسیدم؟
 امام در جواب فرمود: «منظور از «مَاؤُكُمْ» ائمه معصومین (ع) می باشند که واسطه های بین
 خدا و خلقش هستند و منظور از «مَاءٍ مَعِينٍ»، علم امام (ع) است. ۴۵.

پنجم: احمد بن عمر گوید: از امام رضا (ع) معنای آیه: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا
 مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُؤْتِي الْفَضْلَ الْكَبِيرَ» (فاطر، ۳۲/۳۵)؛ «سپس این کتاب را به آن بندگان خود که [آنان را] برگزیده بودیم، به
 میراث دادیم پس برخی از آنان بر خود ستمکارند و برخی از ایشان میانه رو، و برخی از آنان
 در کارهای نیک به فرمان خدا پیشگامند و این خود توفیق بزرگ است»، پرسیدم؟ امام (ع)
 فرمود: «منظور از: «الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا»؛ فرزندان حضرت فاطمه (س) و منظور
 از: «سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ»؛ امامان معصوم (ع) و منظور از: «المقتصد»؛ کسی است که امام را
 بشناسد و منظور از: «ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ»؛ کسی است که امام را نشناسد. ۴۶.

ششم: و شاء گوید: از امام رضا (ع) در مورد آیه: «وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ»
 (النحل، ۱۶/۱۶)؛ «و نشانه هایی [دیگر نیز قرار داد]، و آنان به وسیله ستاره [قطبی] راه یابی
 می کنند»؛ پرسیدم؟ امام (ع) فرمود: «منظور از: «علامات»؛ ما اهل بیت (ع) هستیم. و
 منظور از: «نجم»؛ رسول خداست. و به وسیله ماست که انسان ها هدایت می شوند. ۴۷.
 هفتم: محمد بن فضیل گوید: امام رضا (ع) در مورد آیه: «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ
 فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» (یونس، ۵۸/۱۰)؛ «بگو: به فضل و رحمت خداست
 که [مؤمنان] باید شاد شوند. و این از هر چه گرد می آورند بهتر است». فرمود: «منظور
 از: فضل و رحمت خداوند، ولایت حضرت محمد (ص) و آل محمد (ص) است و آن بهترین
 چیزی است که آنها برگرد آن جمع می شوند. ۴۸.

هشتم: محمد بن فضیل گوید: از امام رضا (ع) در مورد معنای آیه: «وَتَأْدَى أَصْحَابُ
 النَّارِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ
 فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» (الأعراف، ۴۴/۷)؛ «و بهشتیان، دوزخیان را آواز

می دهند که: ما آنچه را پروردگاران به ما وعده داده بود درست یافتیم آیا شما [نیز] آنچه را پروردگارتان وعده کرده بود راست و درست یافتید؟ می گویند: آری. پس آواز دهنده ای میان آنان آواز درمی دهد که: لعنت خدا بر ستمکاران باد» پرسیدم؟ امام (ع) فرمود: «منظور از: مؤذن در آن آیه، امام علی (ع) است». ۴۹

همچنین امام رضا (ع) در تفسیر آیه: «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ» (الرحمن، ۵۵/۷)؛ «و آسمان را برافراشت و ترازو را گذاشت»؛ سماء را رسول خدا (ص) و «میزان» در این آیه و «انسان» در آیه: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ» (الرحمن، ۵۵/۳)؛ را علی بن ابی طالب (ع) تفسیر نمود. ۵۰

۷. تبیین آیات با استفاده از شرح جریانات تاریخی: قاسم الصیقل گوید: از امام رضا (ع) در مورد موسی (ع) و خضر (ع) پرسیدم، امام در جواب فرمود: «موسی (ع) در جزیره ای بر خضر (ع) وارد شد و بر او سلام کرد خضر گفت: تو کیستی؟ گفت: من موسی بن عمران (ع) هستم خضر (ع) گفت: تو همان کسی هستی که خداوند با تو صحبت کرد؟ موسی گفت: بله؛ خضر (ع) گفت: چه می خواهی؟ موسی (ع) گفت: آمده ام تا آنچه را که خود می دانی به من هم بیاموزی. خضر (ع) گفت: تو توانایی و طاقت آن را نداری که بیاموزی و سپس از بلایا و حوادثی که بر آل محمد (ص) جریان می یافت و همچنین از فضل و کرامت آن ها او را باخبر ساخت. پس موسی (ع) گفت: ای کاش من هم با آل محمد (ص) بودم و سپس گفت: ای خضر (ع)، آیا می توانم از تو پیروی کنم و تو مرا راهنمایی کنی؟ خضر (ع) گفت: «قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا» (الکف، ۱۸/۶۷)؛ «گفت: تو هرگز نمی توانی همپای من صبر کنی». موسی (ع) گفت: «قَالَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا» (الکف، ۱۸/۶۹)؛ «انشاء الله مرا شکیبا خواهی یافت و در هیچ کاری تو را نافرمانی نخواهم کرد. خضر (ع) گفت: اگر می خواهی مرا پیروی کنی، نباید از من چیزی بپرسی، تا این که خودم تو را از آن باخبر سازم. موسی (ع) پذیرفت. آنها با هم به راه افتادند تا این که به ساحل دریا رسیدند و سوار بر کشتی شدند. در میانه راه حضرت خضر (ع) آن کشتی را سوراخ کرد و در پایان آن را با گل و لای اندود. موسی (ع) گفت: آیا می خواهی مسافران کشتی را غرق کنی: خضر (ع) گفت: «قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا» (الکف، ۱۸/۷۲)؛ «آیا نگفتم تو هرگز نمی توانی همپای من صبر کنی؟» پس از آن کشتی خارج شدند و به سوی شهر روی آوردند. پس حضرت خضر (ع) کودکی

را که در میان دیگر کودکان به بازی مشغول بود و بسیار زیبا به نظر می رسید، را به قتل رساند. حضرت موسی [ع] گفت: «قَالَ أَقْتُلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا» (الکهف، ۱۸ / ۷۴)؛ «آیا شخص بی گناهی را بدون این که کسی را به قتل رسانده باشد، کشتی؟ واقعا کار ناپسندی مرتکب شدی». موسی [ع] گفت: اگر از این به بعد از تو سؤال کردم، مرا از خود طرد کن. آن دو به راه افتادند تا به روستایی که «ناصره» نامیده می شد، رسیدند. در آن روستا هیچ کس به آن ها کمک نکرد، به آن ها غذا نداد و آن ها را میهمانی نکرد. در آن هنگام حضرت خضر [ع] با یاری خداوند دیواری را که در حال فروریختن بود، برافراشت و جلوی ریزش آن را گرفت. موسی [ع] گفت: به کسانی خدمت می کنی و دیوار روستایی را از فروریختن می رهایی، که مردم آن کمترین خدمتی به ما نکردند؟ خضر [ع] فرمود: «قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ سَاءَ بَيْنُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا» (الکهف، ۱۸ / ۷۸)؛ «این (بار دیگر وقت) جدایی من و توست. بزودی تو را از تأویل آنچه که نتوانستی بر آن صبر کنی آگاه خواهم ساخت؛ قضیه آن کشتی این بود که آن برای مسکینان بود و در شهر پادشاهی بود که کشتی های سالم را غصب می کرد. من آن را معیوب گردانیدم تا آن پادشاه آن را به غصب نبرد. قضیه آن غلام این بود که پدر و مادر او مؤمن بودند و من با نگاه کردن به او آثار کفر و شرک را در او دیدم. به همین دلیل او را کشتم. و اما در مورد آن دیوار علت آن بود که آن دیوار برای دو غلام یتیم در آن شهر بود و در زیر آن گنجی نهان. و پدر و مادر او از افراد صالح و نیکوی دوران خویش بودند. من آن دیوار را از فروریختن نگاه داشتم تا آن دو غلام به بلوغ رسند و آن گنج را مالک شوند».^{۵۱}

دوم: حسین بن خالد گوید: امام رضا (ع) در مورد معنای آیه: «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» (البقرة، ۲ / ۲۴۸)؛ «و پیامبرشان بدیشان گفت: در حقیقت، نشانه پادشاهی او این است که آن صندوق [عهد] که در آن آرامش خاطر از جانب پروردگارتان، و بازمانده ای از آنچه خاندان موسی و خاندان هارون [در آن] برجای نهاده اند - در حالی که فرشتگان آن را حمل می کنند - به سوی شما خواهد آمد. مسلما اگر مؤمن باشید، برای شما در این [رویداد] نشانه ای است»؛ فرمود: «سکینه: بادی از بادهای بهشت است که شکلی همانند شکل صورت انسان دارد. و آن در موقعی است که تابوت

- نشانه پیامبری حضرت طالوت - در میان مسلمانان و کافران قرار گیرد، و هر کس از آن نشانه روی برگرداند و نپذیرد، کافر شناخته خواهد شد». در جایی دیگر می فرماید: «خداوند به پیامبرش - طالوت - وحی کرد، کسی طالوت را به قتل می رساند که زره و لباس رزم حضرت موسی [ع] شایسته تن او باشد - مناسب او باشد - او مردی است از خاندان یعقوب و اسمش داود پسر اسی است. اسی چوپانی بود که ۱۰ فرزند داشت و از همه کوچکتر داود بود. پس زمانی که خداوند طالوت را برای مبارزه با جالوت و همراهانش به سوی قوم بنی اسرائیل فرستاد، طالوت به اسی گفت: به فرزندان بگو یکی یکی این لباس را بپوشند. همه آن ها آن لباس را پوشیدند و برای هر کدام یا بزرگ بود یا کوچک. و هیچ یک را مناسب نبود. طالوت به اسی گفت: آیا فرزند دیگری داری؟ گفت: آری. کوچکترین آن ها را برای نگهبانی از گوسفندان باقی گذارده ام. طالوت گفت: او را هم بیاور. موقعی که داود آمد، فلاخنی در دست داشت. داود قوی هیکل و نیرومند بود. پس موقعی که لباس را پوشید طالوت به او گفت: بسوی جالوت برو و او را بکش. بدین ترتیب جالوت به دست داود و با استفاده از فلاخن کشته شد». ۵۲

۸. تبیین آیات از راه بیان تمثیل:

یکم: أحمد بن محمد گوید: از امام رضا (ع) در مورد معنای آیه: «فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ» (یوسف، ۸۸/۱۲)؛ «پس چون [برادران] بر او وارد شدند، گفتند: ای عزیز، به ما و خانواده ما آسیب رسیده است و سرمایه ای ناچیز آورده ایم. بنا بر این پیمان ما را تمام بده و بر ما تصدق کن که خدا صدقه دهندگان را پاداش می دهد. پرسیدم؟ امام فرمود: «منظور از: «مُزْجَاة» مردمک چشم است که تمثیلی از مقدار کم می باشد». ۵۳

دوم: اسماعیل بن مهران گوید: از امام رضا (ع) در مورد معنای «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» پرسیدم؟ امام فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» نزدیکترین اسم اعظم به خداوند است و نزدیکی آن همانند نزدیکی سیاهی مردمک چشم آدمی به سفیدی آن می باشد». ۵۴

۹. تبیین آیات با استفاده از اسباب نزول و علوم قرآنی:

یکم: أبو محمد رازی از امام رضا (ع) روایت می کند، آن امام هم از پدرش - سلسله سند به رسول خدا (ص) می رسد - که آیه: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً»

قَلَّهْمُ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (البقرة، ۲/ ۲۷۴)؛ «کسانی که اموال خود را، شب و روز و نهان و آشکارا، انفاق می کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند». در شأن حضرت علی (ع) نازل شده است». ۵۵

دوم: از امام رضا (ع) نقل شده که فرمود: آیه: «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ» (المؤمنون، ۲۳/ ۹-۱۰) و «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» (الواقعة، ۵۶/ ۱۰) در حق امام علی (ع) نازل شده است». ۵۶

نتیجه گیری:

۱. امام رضا (ع) آگاه ترین فرد زمانه خویش به تفسیر و تاویل آیه های قرآن بود که تاویل مصداقی بسیاری از کلمات قرآن کریم را بیان نمود.
۲. امام رضا (ع) به شیوه های تفسیری قرآن به قرآن، قرآن به تفسیر، ادبی، تاریخی و تمثیلی به تفسیر آیه های قرآن کریم پرداختند.
۳. مبانی تفسیری امام رضا (ع) در تفسیر قرآن کریم عدم تحریف قرآن، جاودانگی و هدایت گری قرآن و زنده بودن قرآن در تمام عصر و مصرها است.
۴. امام رضا (ع) با توجه به مباحث کلامی و فقهی زوایای پنهانی برخی از آیه های قرآن کریم را آشکار ساختند.

- | | |
|--|---|
| ۱. ترجمه اصول الکافی «مصطفوی»، ۱/ ۲۱۴. | آن بر بعضی دیگر و پاره ای بر پاره ای دیگر گواهی می دهد. |
| ۲. مسند الامام الرضا (ع)، ۱/ ۱۰. | «نهج البلاغة، ترجمه شهیدی / ۱۳۳». |
| ۳. الحياة السياسية للإمام الرضا (ع) / ۱۳۲. | ۹. در المنثور، ۲/ ۸. |
| ۴. بحار الأنوار، ۸۹/ ۱۴. | ۱۰. عیون أخبار الرضا (ع) «صدوق»، ۱/ ۴۲۴. |
| ۵. البیان فی تفسیر القرآن «خوئی» / ۲۰۹. | ۱۱. همان / ۱۲۵؛ مسند الإمام الرضا (ع)، ۱/ ۳۴۰. |
| ۶. بحار الأنوار، ۱۷/ ۲۱۳. | ۱۲. عیون أخبار الرضا (ع)، ۲/ ۶۲؛ مسند الامام الرضا (ع)، ۳۷۹/ ۱. |
| ۷. أمالی الصدوق / ۵۴۶. | ۱۳. عیون أخبار الرضا (ع)، ۱/ ۲۸۰. |
| ۸. کتاب خدا را که شما در آن می نگرید و از آن سخن می گوئید و بدان گوش می دهید، بعضی از قسمت های | ۱۴. همان / ۴۲۴؛ مسند الإمام الرضا (ع)، ۱/ ۳۱۹. |

۱۵. عیون أخبار الرضا (ع)، ۴۵/۲.
۱۶. همان، ۳۸/۲.
۱۷. قصص الأنبياء «جزایری» ۳۶۸؛ تفسیر القمّی، ۳۸/۲.
۱۸. تفسیر العیاشی، ۳۷۲/۱.
۱۹. همان؛ المحاسن «برقی» ۲۳۹.
۲۰. تفسیر العیاشی، ۳۳۰/۱.
۲۱. التوحید «صدوق» ۲۱۰.
۲۲. معانی الأخبار ۱۳.
۲۳. همان؛ مسند الإمام الرضا (ع)، ۳۳۴/۱.
۲۴. آشنائی با تاریخ تفسیر و مفسران «علوی مهر» ۲۵۷.
۲۵. البحر المحیط فی التفسیر «اندلسی»، ۴۵۱/۴.
۲۶. تفسیر القمّی، ۳۱۸؛ مسند الإمام الرضا (ع)، ۳۴۵/۱.
۲۷. تفسیر العیاشی، ۱۱۷/۱؛ مسند الإمام الرضا (ع)، ۳۱۶/۱.
۲۸. تفسیر العیاشی، ۲۷۸/۱.
۲۹. معانی الأخبار ۳۷۳.
۳۰. تفسیر القمّی، ۷۵۹.
۳۱. معانی الأخبار ۱۳۸.
۳۲. همان ۱۲۳.
۳۳. المحاسن، ۳۹۷.
۳۴. تفسیر العیاشی، ۱۵۱/۲؛ مسند الإمام الرضا (ع)، ۳۴۲/۱.
۳۵. تاریخ تفسیر قرآن کریم «جلالیان» ۳۹.
۳۶. تفسیر العیاشی، ۳۰۰/۱؛ مسند الإمام الرضا (ع)، ۳۲۸/۱.
۳۷. تفسیر العیاشی، ۳۷۷/۱؛ تفسیر القمّی / ۲۰۶.
۳۸. تفسیر القمّی / ۳۵۰؛ مسند الإمام الرضا (ع)، ۳۷۴/۱.
۳۹. تفسیر العیاشی، ۱۵۵/۱؛ مسند الإمام الرضا (ع)، ۳۱۶/۱.
۴۰. المفردات / ۹۹.
۴۱. «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (آل عمران، ۷/۳)؛ «اوست کسی که این کتاب [قرآن] را بر تو فرو فرستاد. پاره‌ای از آن، آیات محکم [صریح و روشن] است. آنها اساس کتابند و [پاره‌ای] دیگر متشابهاتند [که تأویل پذیرند]. اما کسانی که در دل هایشان انحراف است برای فتنه جویی و طلب تأویل آن [به دلخواه خود]، از متشابه آن پیروی می‌کنند، با آن که تأویلش را جز خدا و ریشه‌داران در دانش کسی نمی‌داند. [آنان که] می‌گویند: ما بدان ایمان آوردیم، همه [چه محکم و چه متشابه] از جانب پروردگار ماست، و جز خردمندان کسی متذکر نمی‌شود.
۴۲. تفسیر القمّی، ۴۵۱/۲.
۴۳. مناقب ابن شهر آشوب، ۱/۲۲۰.
۴۴. البرهان فی تفسیر القرآن، ۴۷۷/۴.
۴۵. تفسیر القمّی / ۶۹۰؛ مسند الإمام الرضا (ع)، ۳۷۸/۱.
۴۶. الکافی، ۲۱۵/۱؛ بصائر الدرجات / ۴۹.
۴۷. الکافی، ۲۰۷/۱؛ مسند الإمام الرضا (ع)، ۳۴۷/۱.
۴۸. الکافی، ۴۲۳/۱.
۴۹. تفسیر العیاشی، ۱۷/۲.
۵۰. تفسیر القمّی / ۶۵۸.
۵۱. همان / ۳۹۹.
۵۲. همان / ۷۲؛ مسند الإمام الرضا (ع)، ۳۱۵/۱.
۵۳. تفسیر العیاشی، ۱۹۲/۲؛ مسند الإمام الرضا (ع)، ۳۴۷/۱.
۵۴. همان، ۲۱/۱؛ همان، ۳۱۰.
۵۵. عیون أخبار الرضا (ع)، ۶۲/۲؛ مسند الإمام الرضا (ع)، ۳۲۳/۱.
۵۶. همان / ۶۵؛ همان / ۳۴۷.